

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه

۱۸ سپتمبر ۲۰۲۳



یونس نگاه

به بسته ماندن مکاتب عادت نکنیم!

آخرین ارقامی که از نرخ سواد و تعلیم در افغانستان نشر شده، مربوط به سال‌های آخر جمهوری اسلامی است. آن ارقام نیز به دلیل جنگ، کمبود شفافیت و امکانات، نسبی بود و در بهترین حال، تصویر نزدیک به واقعیت به دست می‌داد. نرخ سواد مردم افغانستان را با وجود تلاش‌های نسبی در بیست سال فاصله بین دو امارت طالبان، حدود ۳۸ درصد می‌دانند. شاخص تعلیم و تربیه که ترکیبی از نرخ سواد بزرگسالان و نرخ داخله مکاتب ابتدائیه، متوسطه و لیسه می‌باشد، وضعیت کشور را بهتر نشان می‌دهد. این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته اعشاریه نه و بالاتر از آن است. نرخ متوسط جهانی اعشاریه هفت است. افغانستان در یکی از پائین‌ترین پله‌ها نشسته و اعشاریه چهار نمره دارد.

نزدیک به دو سال است که از آن پله شرم‌آور نیز به زور تفنگ و فرمان امارتی به پائین کشیده می‌شویم. بخش بزرگ باشنندگان کشور از تعلیم رسماً منع شده و باقی نیز به دلیل دشمنی حاکمان با نصاب آموزشی غیرمدرسه‌ای، با محرومیت‌های بسیار روبه‌رویند. کمبود معلم، تغییرات بازدارنده در نصاب و تبلیغات وسیع ضد آموزشی عملاً نظام تعلیمی را فلج کرده است. تعلیم‌دائی و ترویج مدارس و پروژه‌های شبه‌تعلیمی، روند نزولی آموزش را سرعت بخشیده است. سرمایه‌گذاری در انکشاف نصاب و زیرساخت‌های تعلیمی متوقف شده و بازار آموزش خصوصی نیز زیر فشار محدودیت‌های دست‌وپاگیر و کاهش تقاضا هر روز کوچکتر می‌شود.

رابطه آموزش معیاری را با رشد اقتصادی، رفاه اجتماعی، اقتدار سیاسی و توسعه فرهنگی جز طالبان و آنانی که ضد تعلیم کمر بسته‌اند، باقی همه مردم افغانستان می‌دانند و اشتیاق آموزش در سراسر کشور وجود دارد؛ اما واکنش‌ها در برابر سیاست‌های ضد تعلیمی طالبان قناعت‌بخش نبوده است. گویا مردمی که زخم سال‌ها ناامنی، بی‌ثباتی و تروریسم بی‌سابقه را بر تن و روان دارند و از دهه‌ها جنگ و کشتار خسته شده‌اند، برای حفظ امنیت جانی حاضرند حداقل برای کوتاهمدت قربانی‌های بسیار سنگین، از جمله بی‌سوادی فرزندان‌شان را تحمل کنند. این تحمل دردناک و بسیار پرهزینه است. عادت کردن به مکتب‌های بسته، امنیت و آرامش نخواهد آورد، بلکه جامعه را به ناامنی‌های جبران‌ناپذیر خواهد

کشاند. ما وحشتناک، و در زمانی که باقی جهان با شتاب حیرت‌آور مسیرهای تعلیم، تحقیق و توسعه را می‌پیمایند، در برابر حرکت ارتجاعی که جامعه را به عقب می‌راند، گویا «تحمل» پیشه کرده‌ایم و چشم‌به‌راه ترحم طالبان و حمایت خارجی‌مانده‌ایم.

برای آن‌که بدانیم چه قدر با این ایستادن و عقب رفتن از باقی جهان فاصله می‌گیریم، خوب است به هم‌دیگر گوش زد کنیم که کشورهای دیگر به تعلیم هر فرد در هر سال چه قدر ارزش قایلند و برای ارتقای آن چه قدر سرمایه‌گذاری می‌کنند. در صفحه رسمی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (اواسی‌دی) آمده است که اعضای سی‌وهفت‌گانه آن سازمان، در سال ۲۰۱۹ به‌طور اوسط برای هر شاگرد مکتب ۱۷ هزار و ۵۶۰ دلار امریکائی مصرف کرده بودند. برخی از آن کشورها تا ۲۵ هزار نیز هزینه کرده بودند. نزدیک به دو سوم آن مبلغ برای معاش معلمان، انکشاف زیربناها، تهیه مواد درسی و مدیریت مصرف شده بود و یک سوم دیگر آن برای تحقیق و توسعه. در واقع آن کشورها در آن سال برای آن‌که بدانند چه‌طور نظام تعلیمی خود را بهبود بخشند، نصاب را بهتر سازند و مؤثریت آموزش را افزایش دهند، نزدیک به شش هزار دلار برای هر شاگرد مکتب مصرف کرده بودند. نتیجه‌اش نیز روشن است. آنانی که پس از تسلیم‌گیری تسلیحات و ماشین‌های جنگی امریکا و متحدانش، به جان ملت ما افتاده و نشانه‌های آگاهی و آزادی را هدف قرار می‌دهند، گرسنه‌اند و هر هفته برای رسیدن بسته‌های دالر از کشورهایی که مثل طالبان تعلیم‌زدائی نمی‌کنند لحظه‌شماری می‌کنند، به داشتن موترهایی که آن مکتب‌داران ساخته‌اند فخر می‌فروشند و از تفنگ‌هایی که آن مکتب‌داران برای‌شان سپرده احساس قدرت می‌کنند.

حساسیت خود را در برابر مکتب‌ستیزی زنده نگه داریم و برای برداشتن موانع آموزش و آزادی، تدبیر بسنجیم. این مهم‌ترین وظیفه است.